

میلپارد چوپان دروغگو



خوب به اعمال و رفتارمان می‌اندازیم می‌بینیم ما همه برای خودمان چوپان دروغگویی هستیم و لاقبل به خود و خدایمان دروغ‌های بسیار می‌گوییم و اگر دیر بجنبیم گرگ شیطان و نفس گوسفندمان عمر و فرصت‌مان را می‌درد و... پناه بر خدا!

دروغ فرداعلاز همه رقم

حقیقت مطلب آن است که حکایت دروغ و دروغگویی همانند بسیاری از تصورات عامیانه ما، محدود به آن نمی‌شود که مثلاً کسی به ما بگوید «۵۰ تومان دستی داری دو روزه به من بدی» و ما بگوییم «خداوکیلی ندارم» در حالی که چند صد هزار تومان پول بیکار در جیب مبارک‌مان قصد دهه کرده باشد؟!... البته این قبیل موارد جزو موارد روشن و بدیهی است، اما دروغ برای خود جزئیات و فروع و انواع و اقسامی دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. اولاً دروغ در اصطلاح علمای اخلاق و فقها، همان معنای مشهور و بدیهی را دارد که همه می‌دانیم؛ یعنی

نمی‌دانم برای شما هم پیش آمده یا نه؟! گاهی وقت‌ها انسان از اوضاع و احوال و حال و روز برخی افراد مطلع می‌شود و به حال آن‌ها می‌خندد یا تأسف می‌خورد و خلاصه خود را از آن عیب و ایراد و سرنوشت میرا می‌داند، اما بعد از مدتی می‌فهمد که ای دل غافل! خودش بیش‌تر و حتی پیش‌تر گرفتار همان مشکل و معضل و آفت بوده و خبر نداشته و جاهلانه خود را از آن عیب و ایراد دور می‌دانست.

داستان ما و چوپان دروغگوی مشهور کودکان ایران زمین هم تقریباً همین است. همه ما وقتی داستان خنده‌دار و البته عبرت‌آموز «چوپان دروغگو» را می‌خواندیم چه بسا از زشت‌کاری و بدعاقبتی چوپان بخت برگشته - که هیچگاه نخواست نامش فاش شود؟! - سری به نشان تأسف تکان داده و در دنیای کودکانه خود نگاهی عاقل‌اندر سفیه به تصویر خیالی آن بخت برگشته اندختیم و هزاران ملامت و مذمت را نثار آن بیچاره کردیم، اما حالا که خودمان با حفظ سمت، چوپان عمر و زندگی‌مان شدیم، وقتی نگاهی

در عین برخورداری مالی خود را فقیر و بینوا نشان می‌دهد تا دیگران به او کمک نمایند یا فوتبالیستی که با یک تماس بدنی ساده نقش زمین شده اما چنان غلت می‌زند و دست به پهلوی می‌گیرد انگار دنده هشتمش شکسته و در کلیه‌اش فرو رفته؟! یا دانش آموزی که با تقلب و کسب نمره عالی، خود را درسخوان و شاگرد اول جا می‌زند... و مواردی از این قبیل می‌توانند مصادیق دروغ‌گویی باشند که موجب انتقال مقصودی غیر واقعی به مخاطبان و جامعه شوند.

به‌علاوه در همان دروغ زبانی هم مسأله منحصر در سخن گفتن نیست، بلکه نوشتار و کلامی که در قالب الفاظ در می‌آید نیز از همین قبیل است و بر این اساس حدس بزنید هر روزه چه دروغ‌های چند ریشتری در نشریات و روزنامه‌ها و بخصوص سایت‌های خبری منتشر می‌شود و چه حجم بالایی از کذب محض در پیامک‌های عاشقانه و اظهار محبت و دوستی‌های این‌گونه رد و بدل می‌شود که بهره‌ای از صداقت و حقیقت ندارند. به فرموده رسول خدا مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند و خدا می‌داند کسانی که شایعه‌ها و تهمت‌های بی‌اساس و مطالب کاملاً کذب را در سایت‌ها و وبلاگ‌ها رواج می‌دهند و بعضاً غائله‌ای را در مملکت به راه می‌اندازند چه نامسلمانانی هستند.

جالب آن که برخی از این افراد بعد از افشای دروغ بودن خبرشان لطف می‌کنند و خبر تکذیب مطلب منتشر شده را هم در سایت یا روزنامه خود قرار می‌دهند. حال آن که با این کار، گناه سنگین دروغ‌گویی پاک نمی‌شود، بلکه تنها ممکن است از نظر قانونی مشمول جریمه و اعمال قانون نشوند.

خوش مشربی و بامزه بودن عوض کرده و صد افسوس که چنین گناه کبیره‌ای آن چنان مقبول شده که برخی افراد در کنار اسم خود پسوند «خالی‌بند» را با کمال افتخار یدک می‌کشند و هیچ غم و غصه‌ای هم از بابت آن ندارند. جالب آن است که بدانید همین امر در روایات ما هم مورد توجه قرار گرفته، به عنوان مثال از رسول خدا ﷺ نقل شده: «وای بر آن کسی که سخن دروغی بگوید تا حاضران را بخنداند، وای بر او، وای بر او، وای بر او»^۲

از امام علی (ع) نقل شده که «بنده مؤمن طعم ایمان را در نمی‌یابد، مگر آن که از دروغ دوری کند؛ چه جدی و چه شوخی آن»^۳

البته طبق نگاه مشهور از منظر فقهی کلامی دروغ محسوب می‌شود که مخاطب آن را باور کند و اگر فرد چیزی بگوید که مخاطب آگاه به غیر واقعی بودن آن باشد دروغ فقهی محسوب نمی‌شود هر چند از نظر اخلاقی زشتی‌های ذکر شده در مورد آن نیز تا حدودی صادق است.

به هر حال نباید فراموش کنیم کم نیستند مخاطبانی که بسیاری از شوخی‌های ما را جدی می‌گیرند و پیامک ناگهانی ما که «فلانی کجایی تصادف کردم» دل بنده خدا را می‌لرزاند، هر چند، چند دقیقه بعد در برابر صدای لرزانش بگوئیم: «بابا شوخی کردم... بادمجون بم که آفت نداره!»

دروغ رفتاری و نوشتاری

هر چند مصداق اصلی دروغ در سخن گفتن ظاهر می‌شود، اما نباید از یاد برد که حقیقت و زشتی دروغ محدود در کلام نیست و چه بسیار اعمال و رفتارهایی که مصداق دروغ محسوب می‌شوند، مثلاً فردی که

ابراز کردن چیزی که واقعیت ندارد که همین عمل ساده که گاهی با گفتن چند کلمه بی‌مقدار انجام می‌شود از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است؛ تا جایی که از رسول خدا ﷺ نقل شده بزرگ‌ترین گناهان کبیره سه چیزند «شرک به خداوند - حقوق والدین و دروغ»^۱. نکته تأسفبار داستان آن‌جا است که همین گناه عظیم و بزرگ گاهی کاملاً بی‌دلیل و اساس و بدون هیچ منفعتی گفته می‌شود. مثلاً کسی به ما میوه‌ای را تعارف می‌کند و ما در عین علاقه به خوردن آن از روی خجالت یا تعارف یا حتی حفظ کلاس می‌گوییم: «مرسی؛ میل ندارم!». اتفاقاً نقل شده روزی رسول خدا کاسه شیری را به یکی از همسرانش تعارف کرد. او گفت میل ندارم. حضرت فرمودند به تشنگی خود دروغ را هم اضافه کردی...

یا این که در وقت صحبت از دوستان، ناگهان همان فرد سر می‌رسد و یا تلفن می‌زند، ما هم بر حسب عادت می‌گوییم «ای حلال‌زاده!، اتفاقاً الان ذکر خیرت بود» در حالی که واقعاً ذکر خیر او نبود و صحبت از برخی مشکلات او بود. به هر حال این موارد یکی از خطرات جدی است که اکثریت ما را تهدید می‌کند و در دروغ بودن فرقی بین این دروغ‌های متداول با دروغ‌های حسابی و به اصطلاح شاخ‌دار نیست.

شوخی دروغ

اتفاقاً یکی از متداول‌ترین موارد دروغ که بسیاری از افراد آن را دروغ و حرام نمی‌دانند دروغ گفتن برای شوخی و استهزاء است؛ کار زشتی که با تغییر نام به «خالی‌بندی» گویا دچار دگردیسی شده و قبح و زشتی خود را با نوعی



دروغ در معاملات

یکی از رایج‌ترین انواع دروغ که آثار و تبعات منفی بسیاری هم دارد، دروغ‌های مختلفی است که در بین افراد در انجام انواع معاملات واقع می‌شود. گرچه مسأله دروغ‌های شاخ داری که فروشندگان در تعریف و تمجید از جنس و کالای خود می‌کنند موضوع تازه‌ای نیست و بر همگان آشکار است. اما یک بخش از این امور نوعی دروغ عملی است که از آن به عنوان «غش در معامله» تعبیر می‌شود و خود از گناهان کبیره شمرده شده. مانند آن که فروشنده جنس معیوب و کم‌ارزش را میان جنس خوب و مرغوب جا بزند و مثلاً شیر مخلوط با آب را به عنوان شیر خالص به مشتریان بدهد یا قطعات اصلی داخلی یک وسیله الکترونیکی را با وسایل بدل و درپیت جابجا کند و بعد به خریدار از همه جا بی‌خبر بگوید «حضرت عباسی این جنس اصل اصل».

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین موارد این نوع بی‌صدافتی در معاملات، مربوط به مسأله ازدواج است که نوعی عقد شرعی محسوب می‌شود. در فرآیند این عقد و معامله طرفینی گاهی دروغ‌های زبانی و عملی بسیاری گفته می‌شود که طرف مقابل را در پذیرش این معامله دچار اشتباه می‌کند و در حقیقت نوعی «غش در معامله» یا «تدلیس» و فریب‌کاری است. نمونه این موارد تعریف و تمجیدهای نادرست و دور از واقعیت دو خانواده نسبت به فرزندان‌شان است. مانند آن که مادر عروس می‌گوید از هر انگشت دخترم یک هنر می‌ریزد، در حالی که خانم حتی نمی‌تواند یک نیمرو درست کند یا دکمه‌های شستشو و تخلیه ماشین رختشویی را از هم تشخیص دهد؛ یا مادر داماد می‌گوید گل پسر هم دکترای فیزیک پلاسما دارد، در حالی که پسرش سیکل هم ندارد و پلاستیک کهنه و نان خشکی جمع می‌کند! نمونه دیگر که در عمل اتفاق می‌افتد رفتارهایی است که موجب به خطا افتادن طرف مقابل است مانند زیبا جلوه دادن عروس یا داماد و پنهان کردن عیوب ظاهری و باطنی آن‌ها و مواردی از این دست که خود داستان مفصلی دارد.

به طور کلی طبق نظر اکثر مراجع در هر نوع معامله اگر یکی از طرفین غش در معامله کرد یا طرف مقابل را فریب داد، اختیار فسخ معامله از جانب طرف مقابل وجود دارد که البته در عقدهای مختلف شرایط متفاوتی دارد.



دروغ مصلحتی یا منفعتی

یکی از اصطلاحات رایج در بین مردم، مسأله دروغ مصلحتی است و بارها دیده می‌شود فردی دروغ می‌گوید و وقتی مورد اعتراض واقع می‌شود، می‌گوید دروغ مصلحتی گفتم... داستان این دروغ مصلحتی چیست؟ از نظر اسلام دروغ گفتن با این که از گناهان کبیره است، اما مانند هر حرام دیگری موارد استثنایی هم دارد. هر چند برای موارد استثناء دروغ انواع مختلفی در کتاب‌های اخلاقی و فقهی بیان شده، اما وجه اشتراک همه این موارد آن است که مصلحت دروغ گفتن در آن‌ها بر مصلحت راستگویی می‌چربد یا فساد راستگویی بیش از فساد دروغ‌گویی باشد. در این موارد نه تنها دروغ حرام نیست؛ بلکه در مواردی واجب هم می‌شود. مانند نجات جان یک انسان مؤمن که تنها با دروغ گفتن به یک ظالم حاصل می‌شود. البته تشخیص موارد جواز دروغ و یافتن معیار و ضابطه دقیق مصلحت داشتن دروغ آسان نیست، اما به طور کلی می‌توان گفت دروغ مصلحتی برای دفع ضرر و خطری که به ناحق متوجه انسان یا دیگران است یا جلب منفعت و چیزی که تنها از این راه به دست می‌آید حاصل می‌شود جایز است. مانند آن که برای اُشتی دادن دو نفر تنها راه دروغ گفتن باشد یا با دروغ گفتن جلوی یک اختلاف عمیق خانوادگی یا اجتماعی گرفته می‌شود. در روایات هم تلاش شده جلوی همین بی‌مبالاتی گرفته شود و هر کس دروغ خود را با مصلحتی بودن توجیه نکند. زیرا یقیناً هر دروغی برای دروغگو مصلحت فوری و ظاهری دارد. امام صادق (ع) فرمودند: «دروغ مذموم است مگر در دو مورد: دفع شر ظالمان و حل اختلاف بین افراد»^۴

دروغ گفتن به زنان

یکی از مطالب مشهور در بین جامعه هم آن است که گفته می‌شود دروغ گفتن مرد به همسرش اشکال ندارد و از موارد جواز عیب است. در حالی که این خود از دروغ‌های بزرگ و بلکه از زشت‌ترین انواع دروغ یعنی دروغ بستن به دین است. در واقع همیشه و همواره زشت است، مگر در مواردی که راستگویی موجب مفسده شود. در برخی روایات

رویتان نمی شود بگویند «نه نمی دهم». پس توریه می کنید و می گویند: «شرمنده گویی ام رو خونه جا گذاشتم» و منظور تان هفته قبل است که گویی تان را جا گذاشته بودید اما سائل از همه جا بی خبر فکر می کند منظور شما همان روز بوده و غائله ختم می شود. البته تذکر این نکته مهم لازم است که در این زمان از بی صدا بودن گویی تان اطمینان داشته باشید!! اما آیا می توان در همه موارد حتی در این موارد جزئی هم توریه کرد؟ در جواب باید گفت در این مسأله بین فقها اختلاف نظر است. برخی توریه را در هر حال از اقسام دروغ نمی دانند و در هر صورت آن را جایز می دانند هر چند که از نظر اخلاقی کار چندان خوبی محسوب نمی شود، اما طبق نظر برخی از مراجع دیگر توریه از اقسام دروغ است و تنها راهکاری برای مواقع خاص و ضروری است که مؤمنان به جای دروغ مصلحتی و برای ترک نکردن صداقت و اثرات درونی دروغگویی از آن استفاده می کنند.

در نتیجه در این مسأله هر فرد موظف به رجوع به نظر مرجع خود است و بی حساب و کتاب نمی توان توریه کرد، هر چند در موارد خاص و ضروری طبق نظر هر مراجع توریه صحیح است.

توبه از دروغ

اما در مورد توبه از دروغ ابتدا باید دید دروغ از کدام قسم گناهان است، آیا حق الله است یا حق الناس؟! در پاسخ باید گفت هر گناهی به نوعی حق الله محسوب می شود و هر نهی و منعی که از جانب خداوند آمده، دستور الهی است که نباید آن را نادیده گرفت. در نتیجه نادیده گرفتن این دستور با گذاشتن بر حق خدایی خداوند است و توبه و استغفار از درگاه الهی و عزم جدی بر عدم تکرار این عمل را می طلبد. پس دروغ حتما حق الله محسوب می شود. اما اگر دروغی که گفته شده حق فرد یا افرادی ضایع شده باشد و این دروغگویی به ضرر آن ها تمام شده باشد، این عمل حق الناس هم محسوب می شود و برای توبه باید به نوعی رضایت آن ها را نیز جلب کرد و از آن ها هم حلالیت گرفت.

دروغ با افزودنی های غیر مجاز

در نهایت باید گفت گاهی بعضی افراد به دروغگویی خالی هم اکتفا نمی کنند و زشتی و آلودگی دروغ را دوبله و به قول بچه ها سوبله می کنند، یعنی آلودگی یک دروغ را چند برابر می کنند که این موارد بدترین انواع و اقسام دروغ است. بدترین و زشت ترین قسم دروغ، دروغ بستن به خدا و رسول است که موجب بطلان روزه هم می شود - قابل توجه بی سوادان مدعی فضل که پای بحث های دینی که پیش می آید هر چه به ذهن شان می رسد را حرف خدا و رسول می دانند - از همین موارد دروغ های خاشخاشی قسم دروغ است، یعنی فرد در کنار دروغ خود، قسم هم می خورد.

مورد دیگر وعده دروغ است. یعنی خلف وعده ای که از ابتدا فرد قصد انجام آن را ندارد. خداوند همه ما را از راستان و راستگویان قرار بدهد. الهی آمین پی نوشت ها:

۱. معراج السعاده، ص ۵۷۴.
۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۳۵.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۰.
۴. میزان الحکمه، حدیث ۱۷۴۷۶.
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۳.

گفته شده یکی از موارد جواز دروغ گفتن آن است که مرد به همسر خود وعده ای بدهد که قصد انجام آن را نداشته باشد.^۵

روشن است که اولاً بررسی احادیث بر عهده فقها است و بر اساس یک روایت آن هم بدون بررسی دقیق سندی و محتوایی نمی توان حکم شرعی صادر نمود. اتفاقاً برخی از مراجع صراحتاً این دروغ ها را هم حرام دانسته اند.

اما اگر بر فرض این روایت را هم صحیح بدانیم این حدیث نمی گوید مرد مجاز است به همسرش دروغ بگوید، بلکه می گوید در موارد خاص مرد می تواند به همسر خود وعده ای بدهد که در دل قصد انجام دادن آن را ندارد. پیدا است که این در موردی است که عمل بر خلاف این شیوه موجب اختلاف در درون خانواده و کدورت و ناراحتی مجموعه خانواده می گردد. ولی اکنون با یک وعده می توان شرایط را آرام کرده و به مرور زمان زن را از خواسته خود منصرف نماید و یا وضعیت را به درستی برای وی تبیین کند.

در واقع مصلحت این رفتار و ترک راستگویی در این موارد کاملاً روشن و بدیهی است. برخلاف رفتار عادی و طبیعی مرد در خانه و در برابر همسرش که به توصیه اسلام همواره باید بر مبنای صداقت و راستی باشد، ولاً در جو بی اعتمادی و دروغ گویی طرفین امکان مدیریت صحیح خانواده و تربیت فرزندان از جانب پدر وجود ندارد و روشن است که اسلام هیچ گاه این امر را نمی پسندد.

داروی ترک اعتیاد

به هر حال دروغگویی مانند هر بیماری دیگری باید به گونه ای ترک شود و این امر بخصوص برای افرادی که مثل معتادها با دروغ، خو گرفته اند بسیار سخت بوده و برای این افراد همانند معتادان مواد مخدر که با داروهای ترک اعتیاد که نوعی مخدر ضعیف شده هستند کم کم به حال طبیعی برمی گردند می توان «توریه» را تجویز نمود. توریه در واقع کلامی است که در ظاهر شبیه دروغ است، اما حکم دروغ را ندارد. یعنی گوینده کلام چیزی را قصد می کند که شنونده متوجه نمی شود. فرض کنید دوست تان به شما می گوید: «فالانی! موبایلتو می دی به زنگ فوری بزتم» و شما که به دلایل مختلف مایل به این کار نیستید و از طرفی

